



U.S.-Syrian Kurds Relations: Strategic Alliance or Dynamic Alignment

Rahman Hariri¹ | Kamran Lotfi²

DOR: 20.1001.1.28210247.1403.4.16.6.0

16

Vol. 4
Winter 2025

Abstract

With the onset of the Syrian crisis, various domestic, regional, and international actors adopted distinct strategies in response to the situation. This was particularly evident due to Syria's critical geopolitical and geostrategic position in West Asia. As a global superpower with extensive interests, the United States pursued an interventionist strategy aimed at safeguarding its interests and those of its regional allies throughout the Syrian crisis. Initially, the U.S. supported efforts to overthrow the Syrian regime by backing Arab opposition forces. However, as the opposition weakened and faced defeat against the Syrian regime and its allies, the U.S. shifted its focus to the Kurdish forces, seeking to maintain its strategic interests through a new partnership. This study aims to answer the main question: What strategy underlies the U.S. approach toward the Syrian Kurds? The hypothesis suggests that the relationship between these two actors is not characterized by the deep commitments typical of a strategic alliance. Instead, the U.S.-Syrian Kurds partnership is more accurately described as a dynamic alignment—temporary, conditional, and responsive to immediate threats, particularly in combating ISIS terrorism and containing regional powers such as Iran and Turkey. This article examines the factors shaping this dynamic alignment and the limitations that have prevented it from evolving into a strategic alliance. The research is qualitative, employing a descriptive-analytical approach based on the theory of dynamic alignment. Additionally, this study is document-based, utilizing library research methods (both printed and digital sources) for data collection.

Keywords: Dynamic alignment, Syrian Kurds, United States, strategic interests, West Asia.

Research Paper

Received:
02 July 2024
Revised:
30 September 2024
Accepted:
05 October 2024
Published:
05 October 2024
P.P: 161-189

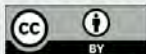
ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743



1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Razi University, Kermanshah, Iran. r.hariri@razi.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Razi University, Kermanshah, Iran.

Cite this Paper: Hariri'R, & Lotfi'K. (2025). The U.S. U.S.-Syrian Kurds Relations: Strategic Alliance or Dynamic Alignment. *American strategic studies*, 4(16), 161–189.

Publisher: Imam Hussein University © **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



روابط آمریکا و کردهای سوریه؛ اتحاد راهبردی یا همسویی پویا

رحمان حریری^۱ | کامران لطفی^۲

۱۶

سال چهارم
زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

صص: ۱۶۱-۱۸۹

شابا چاپی: ۲۸۲۱-۰۲۴۷
الکترونیکی: ۲۷۸۳-۴۷۴۳



چکیده

همزمان با شروع بحران سوریه، بازیگران مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی راهبردهای متمایزی را برای واکنش به این وضعیت اتخاذ کردند. این امر به‌ویژه به‌دلیل موقعیت بحرانی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک سوریه در غرب آسیا مشهود است. ایالات‌متحده به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی با منافع گسترده، راهبرد مداخله جویانه‌ای را با هدف حفظ منافع خود و متحدان منطقه‌ای‌اش در جریان بحران سوریه دنبال کرد. در ابتدا، ایالات‌متحده از تلاش‌ها برای سرنگونی نظام سوریه با حمایت از مخالفان عرب سوریه حمایت می‌کرد. با این حال، با تضعیف مخالفان و مواجهه با شکست در برابر نظام سوریه و متحدانش، ایالات‌متحده تمرکز خود را به نیروهای کُرد معطوف کرد و به دنبال حفظ منافع راهبردی خود از طریق مشارکت جدید بود. این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است: چه راهبردی زیربنای رویکرد ایالات‌متحده در قبال کردهای سوریه است؟ فرضیه بر این اصل استوار است که بنظر می‌رسد رابطه بین دو بازیگر با تعهدات عمیق معمول یک اتحاد راهبردی مشخص نمی‌شود. در عوض، مشارکت ایالات‌متحده و کردهای سوریه با دقت بیشتری به‌عنوان یک همسویی پویا توصیف می‌شود، مشروط و پاسخگو به تهدیدات فوری به‌ویژه در مورد مبارزه با تروریسم داعش و مهارت‌های منطقه‌ای، مانند ایران و ترکیه می‌باشد. این مقاله، عوامل شکل‌دهنده این همسویی پویا و محدودیت‌هایی را که از تبدیل شدن آن به یک اتحاد راهبردی جلوگیری نموده، بررسی خواهد کرد. این تحقیق از نوع کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی از نظریه همسویی پویا استفاده می‌کند؛ لازم به‌ذکر است که نیز مطالعه اسنادی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای (اعم از چاپی و دیجیتال) می‌باشد.

کلید واژه‌ها: همسویی پویا، کردهای سوریه، آمریکا، منافع راهبردی، غرب آسیا.

۱- نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

r.hariri@razi.ac.ir

۲- استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

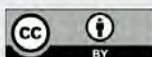
استناد: حریری، رحمان؛ لطفی، کامران. (۱۴۰۳). روابط آمریکا و کردهای سوریه؛ اتحاد راهبردی یا همسویی پویا. مطالعات راهبردی آمریکا، ۴(۱۶)، ۱۶۱-۱۸۹

DOR: 20.1001.1.28210247.1403.4.16.6.0 . ۱۶۱-۱۸۹

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

جمعیت کردها حدود ۱۰ درصد جمعیت کل سوریه با مجموع جمعیت تقریباً ۲ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. مناطق سکونت کردها در سوریه در چند منطقه اصلی این کشور تقسیم بندی می‌شود که عبارتند از کردداغ، کوبانی، حسکه و دمشق. کردداغ یکی از متراکم‌ترین مناطق جمعیتی سوریه است و اکثر جمعیت آن کرد هستند. کردهای زیادی به منظور فرار از سرکوب و بیدادگری‌های نیروهای کمال آتاتورک در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ از ترکیه به سوریه گریخته و عمدتاً در حسکه ساکن شدند. دولت سوریه نیز با استفاده از این امر، استدلال می‌کنند که همه کردهای سوریه ترکیه‌ای هستند که به سوریه مهاجرت کرده‌اند؛ در حالی که تا پیش از آن و تا اواخر قرن نوزدهم بسیاری از عشایر کرد، اسکان یافته و در این منطقه مشغول زراعت بوده‌اند (باقری دولت آبادی و رحیمی دهگلان، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

در همین راستا، در سال‌های اخیر، روابط بین ایالات متحده و کردهای سوریه به ویژه در زمینه ژئوپلیتیک گسترده‌تر غرب آسیا، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. به عبارتی، روابط کردهای سوریه و آمریکا با شکل‌گیری بحران سوریه آغاز گردید؛ هرچند که در روزهای آغازین بحران، آمریکایی با حمایت از معارضان عرب، قدری از جریان کردی فاصله گرفتند اما جریان رو به افول نیروهای ضد اسد قدرت‌گیری محور ایران- روسیه- دولت مرکزی در سوریه منجر به این شد که آمریکایی‌ها، کردها را به عنوان یک نیروی قابل اتکا در راستای تغییر معادلات سوریه بکار گیرد (پیرانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۲). بر همین اساس، درگیری‌های جاری در سوریه، ظهور و سقوط داعش و شبکه پیچیده اتحادها و خصومت‌ها که قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی را درگیر می‌کند، همگی به پیچیدگی روابط ایالات متحده و کردهای سوریه کمک کرده‌اند. این رابطه نه تنها برای درک سیاست ایالات متحده در غرب آسیا است بلکه به عنوان یک مطالعه موردی برای ماهیت در حال تحول مشارکت‌های بین‌المللی در دورانی است که با تغییر اتحادها و سیال بودن پویایی قدرت جهانی مشخص شده است.

از این منظر، حمایت آمریکا از اکراد مانع از احیای حاکمیت دولت مرکزی سوریه شده و در راستای تضعیف محور مقاومت، آمریکا با لابی‌گری رژیم صهیونیستی برنامه‌ای برای خروج از سوریه ندارد. بنابراین، این تحقیق با ارائه بینش‌هایی در مورد ماهیت در حال تحول مشارکت‌های

ایالات متحده در مناطق مورد علاقه راهبردی، به‌حوزه گسترده‌تر سیاست بین‌المللی غرب آسیا، کمک می‌کند. از این‌رو، این مطالعه به‌دلیل تنش‌های مداوم بین ایالات متحده و ترکیه، متحد ناتو، بر سر حمایت آمریکا از کردهای سوریه ضروری است. ترکیه یگان‌های مدافع خلق را یک سازمان تروریستی وابسته به‌حزب کارگران کردستان^۱ می‌داند که دهه‌ها در داخل ترکیه شورش را راه انداخته است. اقدام متعادل‌کننده ایالات متحده بین حمایت از کردها در برابر داعش و مدیریت اتحاد خود با ترکیه، نقطه بحرانی تنش است که می‌تواند پیامدهای مهمی برای آینده ناتو و روابط ایالات متحده و ترکیه داشته باشد. بنابراین، مشارکت ایالات متحده با گروه‌های کرد سوریه، تعاملات را بسیار پیچیده کرده است؛ چرا که ایالات متحده و ترکیه در ابتدا برای سرنگونی بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه با یکدیگر همکاری کردند و نیز زمانی که مقابله با داعش به‌نگرانی اصلی ایالات متحده و مقابله با خودمختاری کردها به هدف اصلی ترکیه تبدیل شد، منافع آن‌ها متفاوت شد (Alim, 2024: 149).

به‌طور خاص مسأله این تحقیق آن است که آیا این رابطه به‌بهترین شکل به‌عنوان یک اتحاد راهبردی توصیف می‌شود یا یک همسویی پویا. این پژوهش عواملی را که سیاست ایالات متحده را شکل می‌دهد از جمله تهدید داعش، نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند چین و روسیه و قدرت‌های منطقه‌ای و پویایی داخلی سیاست کردهای سوریه و حکومت سوریه را به‌طور انتقادی بررسی می‌کند. از طریق این تجزیه و تحلیل، این تحقیق به‌درک عمیق‌تر محدودیت‌هایی کمک می‌کند که از تبدیل شدن مشارکت ایالات متحده و کردهای سوریه به یک اتحاد راهبردی تمام‌عیار جلوگیری می‌کند. لازم به ذکر است که این تحقیق، ضمن طرح یک مسئله جدید از رهیافت نظری همسویی پویا جهت تبیین آن بهره می‌گیرد؛ بر همین اساس و در راستای عملیاتی کردن شاخص‌های نظریه این پژوهش در دو بخش کلی، مباحث را پیگیری می‌کند؛ ابتدا ضمن مرور روابط تاریخی کردها و آمریکا، به‌نقش اکراد در بحران سوریه و در نگاهی کلان‌تر در غرب آسیا و در بخش دوم به پیامدهای همسویی راهبردی اکراد و ایالات متحده آمریکا و نیز ارائه تصویری دقیق‌تر از راهبرد ایالات متحده در سوریه و غرب آسیا است. به همین جهت، در کانون این مطالعه این سؤال وجود دارد که آیا روابط ایالات متحده و کردهای سوریه یک اتحاد راهبردی است یا یک همسویی پویا؟.

از این رو، اهمیت و ضرورت بررسی روابط ایالات متحده و کردهای سوریه در این پژوهش از چندین عامل کلیدی ناشی می‌شود. اول، جمهوری اسلامی ایران، کردهای سوریه و نیز یگان‌های مدافع خلق^۱، نقش مهمی در مبارزه با داعش ایفا کرده‌اند. با این حال، کردها به‌رغم موفقیت‌های نظامی در مبارزه با داعش، خود را در موقعیتی نامطمئن می‌بینند و بین منافع رقابتی قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه، ایران و روسیه گرفتار می‌شوند و در داخل خود سوریه با اختلافات داخلی مواجه می‌شوند. درک ماهیت روابط آن‌ها با ایالات متحده برای پیش‌بینی ثبات آینده منطقه و نتایج بالقوه درگیری‌های جاری حیاتی است. دوم، رابطه ایالات متحده با کردهای سوریه نمادی از روندهای گسترده‌تر سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا است. از آنجایی که ایالات متحده به دنبال کاهش ردپای نظامی خود در منطقه بوده و در عین حال همچنان نفوذ خود را حفظ می‌کند، مشارکت‌هایی مانند آنچه با کردهای سوریه انجام می‌شود، تغییر مسیر از اتحاد‌های سنتی به سمت روابط مشروط‌تر و مبادله‌ای را برجسته می‌کند. این تحقیق از نوع کیفی بوده و مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی است و از نظریه همسویی پویا استفاده می‌کند؛ لازم به ذکر است که روش مطالعه اسنادی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای (اعم از چاپی و دیجیتالی) می‌باشد. هدف این تحقیق، ارائه درک دقیقی از ملاحظات راهبردی زیربنای رویکرد ایالات متحده در قبال کردهای سوریه است.

۱- پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه و ادبیات پژوهش نیز می‌توان به آثاری که نزدیک به موضوع تحقیق می‌باشند در زیر اشاره نمود:

پیرانی و همکاران وی در پژوهشی با عنوان «تحلیل راهبرد آمریکا در قبال کردهای سوریه براساس نظریه انتخاب عقلانی»، معتقدند که آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت و با منافع جهانی تلاش کرد تا با رویکردی مداخله‌گرایانه در بحران سوریه هم بتواند منافع خود و نیز متحدینش را تأمین کند؛ این کشور ابتدا با حمایت از مخالفین عرب سوری سعی در براندازی نظام سوریه و ضربه زدن به متحدان آن داشت. با درخواست قانونی دولت سوریه برای ورود ایران و روسیه به این کشور و

برهم خوردن توازن قدرت در سوریه در رسیدن به اهداف اولیه خود با شکست روبرو شدند. این امر، آمریکایی‌ها را به سمت نزدیکی به کردها سوق داد تا بتوانند با استفاده از نیروهای کرد، منافع خود در سوریه را تأمین کنند (پیرانی و همکاران، ۱۳۹۸).

باقری دولت آبادی و ماهیدشتی در پژوهشی با عنوان «آینده سیاسی کردستان سوریه: بیم‌ها و امیدها»، معتقدند که با توجه به مواضع کنونی حزب اتحاد دموکراتیک، امریکا در کوتاه مدت اقبالی به کردهای سوریه ندارد و از خودگردانی مورد نظر آنها حمایتی به عمل نمی‌آورد اما اگر این حزب بتواند خود را به گونه‌ای کارآمدتر نشان دهد و از دایره دوستی با حزب کارگران کردستان ترکیه خارج و الگوی دشمنی با آمریکا را به الگوی دوستی تبدیل کند، می‌تواند حمایت امریکا را برای ایجاد یک خودگردانی همانند کردستان عراق کسب کند (باقری دولت آبادی و ماهیدشتی، ۱۳۹۶).
آنا بورشچفسکایا در پژوهشی با عنوان «کردهای سوری به عنوان متحد ایالات متحده: همکاری و پیچیدگی‌ها»، به بررسی همکاری‌های نظامی و دیپلماتیک ایالات متحده با کردهای سوری در مبارزه با داعش و تلاش برای ایجاد ثبات در منطقه پرداخته و به پیامدهای این سیاست‌ها برای دیگر بازیگران منطقه‌ای مانند ترکیه و ایران اشاره کرده است (آنا بورشچفسکایا، ۲۰۲۲).

ام سی کول در پژوهشی با عنوان «نقش کردها در سیاست خارجی ایالات متحده» به تحلیل تاریخچه روابط آمریکا با کردها و نیز به نقش این گروه‌ها در سیاست خارجی ایالات متحده و نحوه تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازد؛ این تحقیق، ابزارهای مختلف ایالات متحده در این رابطه را شناسایی و بررسی می‌کند (ام سی کول، ۲۰۲۱).

در خصوص وجه تمایز و نوآوری در این پژوهش نسبت به سایر تحقیقات انجام شده بایستی تأکید نمود که در این مقاله از یک رهیافت نظری کاملاً جدید بهره گرفته شده است و به تبع آن مسأله تحقیق نیز ابتکاری جدید می‌باشد. علاوه بر این، سؤال و فرضیه جدید، جامع و مانع بودن رویکرد این تحقیق نسبت به کارهای انجام شده پیشین در خصوص روابط اکراد و آمریکا و نیز بینش نوآورانه درباره پیامدهای روابط یاد شده و تحولات غرب آسیا و نیز سناریوهای ارائه شده در قسمت نتیجه‌گیری از جمله تمایزات این مقاله می‌باشد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- از اتحاد راهبردی تا همسویی پویا

همسویی پویا به مشارکت‌هایی اشاره دارد که با انعطاف و سازگاری مشخص می‌شوند و اغلب در پاسخ به تهدیدها یا فرصت‌های خاص پدیدار می‌شوند. بر خلاف اتحادهای راهبردی که مبتنی بر تعهدات بلندمدت و نهادینه شده‌اند، همسویی‌های پویا سیال‌تر، موقتی‌تر و واکنش‌پذیرتر هستند؛ آن‌ها با تغییر دینامیک قدرت، تغییر ادراک تهدید و نیاز به همکاری کوتاه‌مدت برای دستیابی به اهداف فوری شکل می‌گیرند. در مورد روابط ایالات متحده و کردهای سوریه، این چارچوب، اجازه می‌دهد تا درک عمیق‌تری از عواملی که شراکت را شکل می‌دهند از جمله نقش تهدیدهای خارجی، مانند داعش و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در چنین روابطی را برجسته می‌کند؛ همچنین، ماهیت مشروط رابطه را برجسته می‌کند که با تکامل محیط امنیتی در معرض تغییر است. اتحادها در سراسر تاریخ پدیده‌ای محوری در قلمرو سیاست بین‌الملل بوده‌اند؛ امروز اتحاد^۱ و همکاری در عرصه بین‌الملل به دلیل ارتباطات گسترده میان کشورها و گروه‌های اقلیتی قومی، زبانی و همچنین فرایند جهانی شدن اهمیت فزاینده‌ای یافته، لذا دولت‌ها و گروه‌های مخالف درون حکومتی جهت دستیابی به اهداف خود ناگزیر از ائتلاف^۲ با دیگران هستند. در حالت مثبت، قدرت‌های بزرگ، دولت‌ها یا گروه‌ها و جنبش‌های مخالف به یک‌دیگر می‌پیوندند تا توانایی‌های یک‌دیگر را تقویت کنند. در حالت منفی، اتحاد ایزاری است جهت کاهش قدرت آنتاگونیستی^۳ (اتخاذ سیاست تخصیص کامل) که استقلال را تهدید می‌کند (Dwivedi, 2012: 224-237). در این راستا، والت^۴ بر اهمیت تهدید در تعیین رفتار دولت و تشکیل اتحاد توجه دارد. او استدلال می‌کند که دولت‌ها برای جلوگیری از تسلط قدرت‌های نسبتاً قوی‌تر، اتحاد تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر، زمانی که دیگران تهدیدی هستند، اتحاد یا ائتلاف تشکیل می‌دهند. دولت‌ها زمانی ائتلاف می‌کنند که بقای آن‌ها در خطر است و می‌خواهند نیت تهاجمی حریف را مهار کنند و همچنین زمانی که گنجاندن آن‌ها در اتحاد آن‌ها را قوی‌تر می‌کند و در موقعیتی قرار می‌گیرند که

1 Alliance

2 Coalition

3 Antagonism

4 Walt

بر اتحاد تسلط دارند. اگرچه والت بیشتر بر ایجاد تعادل تاکید کرد اما با هوشمندی استدلال می کند که هر چه مجموع قابلیت های یک کشور بیشتر باشد، تمایل دیگران برای همسویی با آن بیشتر می شود؛ زیرا دولت ها عمدتاً توازن یا متحد شدن را در برابر دولت های تهدید کننده انتخاب می کنند. دولت قوی تر طبیعتاً تعادل را با دولت های ضعیف تر انتخاب می کند و دولت های ضعیف تر عمدتاً با سایر دولت های ضعیف متعادل یا همسو می شوند اما زمانی که توسط دولت های قوی تهدید می شوند (تهدید خارجی) متحد می شوند (Walt, 1987: 32).

۲-۲- نظریه همسویی پویا^۱

در مقابل یک اتحاد راهبردی، اصطلاح اتحاد و همکاری مصلحتی توصیف دیگری است که در بحث مطرح شده است؛ نظریه همسویی پویا^۲ که توسط غنچه تضمینی^۳ توسعه یافته است، چارچوب جدیدی برای درک ماهیت انعطاف پذیر و عمل گرایانه اتحاد بین دولت ها به ویژه در زمینه روابط آمریکا و کردهای سوریه ارائه می دهد. این نظریه از مدل های ائتلاف ایستا سنتی^۴ متفاوت است و در عوض بر این تمرکز دارد که چگونه بازیگران با ایدئولوژی ها یا اهداف متفاوت می توانند پیوندهای همکاری را بدون تعهد دائمی یا ایدئولوژیک حفظ کنند. تغییر از یک اتحاد راهبردی به آنچه دکتر غنچه تضمینی (۲۰۲۲) از آن به عنوان «همسویی پویا» یاد می کند، کلید درک وضعیت کنونی روابط ایالات متحده و کردها است. همسویی پویا زمانی اتفاق می افتد که مشارکت های راهبردی برای انعکاس واقعیت های ژئوپلیتیکی در حال تغییر به جای پایبندی به اتحاد های رسمی و بلندمدت تکامل می یابند. برخلاف اتحاد های سنتی، همسویی پویا به بازیگران اجازه می دهد تا در روابط موقت و انعطاف پذیر شرکت کنند که بر اساس نیازهای کوتاه مدت و تغییرات در توازن قدرت منطقه ای یا جهانی تنظیم می شوند (Tazmini, 2022: 65).

نظریه همسویی پویا که توسط غنچه تضمینی توسعه یافته است، رفتار استراتژیک کشورها و بازیگرانی را بررسی می کند که اتحاد های در حال تغییر را در محیط های پیچیده ژئوپلیتیکی هدایت می کنند؛ این نظریه بر سه مؤلفه اصلی بنا شده است:

- 1 Dynamic alignment
- 2 Dynamic Alignment Theory (DAT)
- 3 Ghoncheh Tazmini
- 4 Traditional static coalition

۱. **پراگماتیسم زمینه‌ای**^۱: بر این نکته تأکید دارد که چگونه دولت‌ها سیاست‌های خود را بر

اساس نیازهای استراتژیک فوری و نظم بین‌المللی گسترده‌تر تطبیق می‌دهند؛

۲. **همسویی ایده‌آل**^۲: به ارزش‌های مشترک فرهنگی، تاریخی یا هنجاری اشاره دارد که

زیربنای مشارکت‌ها است و به‌رغم درگیری‌های گاه به گاه امکان همکاری هموارتر را فراهم

کرده و نشان می‌دهد که چگونه همسویی ایده‌آل پایه‌ای برای مشارکت‌های پویا فراهم

می‌کند، حتی زمانی که عمل‌گرایی زمینه‌ای به واگرایی‌های موقتی در تاکتیک‌ها یا اهداف

نیاز دارد؛

۳. **مدیریت مشارکت تطبیقی**^۳: شامل مدیریت پویا اتحادها، تغییر بین همکاری و رقابت بسته

به شرایط ژئوپلیتیکی در حال تغییر است (Tazmini, 2020; Tazmini, 2022).

در زمینه همکاری آمریکا با کردهای سوریه، نظریه همسویی پویا بینش‌هایی را در مورد

چگونگی درک چنین مشارکت‌هایی ارائه می‌دهد. مشارکت ایالات متحده با کردهای سوریه

مصادق عمل‌گرایی زمینه‌ای است، زیرا در درجه اول به جای همسویی عمیق و اتحاد راهبردی،

مبارزه با داعش را هدایت می‌کرد. با این حال، فقدان همسویی ایده‌آل در روابط آمریکا و کردهای

سوریه (آمریکا در صدد کاهش نفوذ روسیه، ایران و دولت بشار اسد در سوریه و کردها در صدد حفظ و

تقویت خودمختاری مناطق کردنشین سوریه در تقابل با ترکیه و دمشق هستند) آسیب‌پذیری‌هایی را در

این اتحاد ایجاد می‌کند. این در تضاد با همکاری روسیه و ایران است، جایی که همسویی ایده‌آل قوی‌تر

(مثلاً ارزش‌های ضد هژمونیک مشترک) به حفظ شراکت با وجود تنش‌های گاه به گاه کمک می‌کند.

بکارگیری چارچوب همسویی پویا، شکنندگی بالقوه روابط ایالات متحده و کردها را در غیاب یک

بنیان ایدئولوژیک منسجم آشکار می‌کند (Tazmini, 2022: 55-58).

همسویی پویا به‌ظرفیت دولت‌ها برای تنظیم سیاست‌های خارجی خود بر اساس شرایط نوسان

منطقه‌ای یا جهانی اشاره دارد. در مورد آمریکا و کردهای سوریه این همسویی تا حد زیادی عملی

و مشروط به منافع متقابل بوده است. تضمینی خاطر نشان می‌کند در حالی که هر دو کشور اهداف

بلندمدت متفاوتی دارند، اهداف کوتاه مدت آن‌ها اغلب به هم نزدیک شده است به‌ویژه در

1 Contextual pragmatism

2 Deational Alignment

3 Adaptive Partnership Management

زمینه‌هایی مانند همکاری مبارزه با تروریسم و راهبرد ژئوپلیتیکی در غرب آسیا (Tazmini, 2020: 6). همسویی پویا معتقد است که این اتحادها انعطاف‌پذیر و قابل تغییر هستند و به جای تعهدات الزام‌آور، مشروط به تقاضاهای موقعیتی هستند. با این حال، این به معنای مشارکت غیرقابل تغییر نیست بلکه همسویی آن‌ها به زمینه خاص و مبتنی بر موضوع است که امکان تغییر در روابط را در هنگام واگرایی منافع راهبردی فراهم می‌کند (Tazmini, 2020: 10).

به این ترتیب، همسویی پویا دریچه‌ای را ارائه می‌دهد که از طریق آن سیاست‌گذاران می‌توانند رفتار در حال تحول و گاه متناقض دولت‌ها در روابط بین‌الملل را تفسیر کنند. این نظریه، بینشی در مورد چگونگی تعامل قدرت‌های جهانی در دنیای چندقطبی با سایر بازیگران منطقه‌ای که در آن اتحادهای ثابت به طور فزاینده‌ای با روابط پویاتر و مبادله‌ای جایگزین می‌شوند، فراهم می‌کند. اصطلاح «اتحاد راهبردی» به تعهد رسمی و بلندمدت بین دو بازیگری اشاره دارد که دارای منافع مشترک و پایدار هستند و آماده همکاری گسترده در جهت دستیابی به این منافع هستند. اتحادهای راهبردی بر اساس اعتماد، ارزش‌های مشترک و انتظار همکاری در آینده ساخته می‌شوند (Walt, 1987: 57). در مقابل، «همسویی پویا» یک رابطه روان‌تر و موقتی است که در پاسخ به تهدیدها یا فرصت‌های خاص پدیدار می‌شود. از اینرو، برخلاف اتحادهای راهبردی، همسویی‌های پویا واکنشی هستند و اغلب پس از کاهش تهدید یا فرصت فوری از بین می‌روند (Petersen, 2011: 112). در این چارچوب، اتحادها ابزارهایی برای مدیریت معضله امنیت هستند، اتحادها عدم قطعیت در میان دولت‌ها (گروه‌ها و جنبش‌های مخالف حکومت و خواهان خودمختاری) را از بین می‌برند به طوری که سیستم بین‌المللی پیش‌بینی‌پذیرتر و پایدارتر شود؛ هدف بیشتر اتحادها ترکیب توانایی و افزایش ظرفیت‌ها برای کسب منافع بیشتر است.

۳- زمینه تاریخی روابط ایالات متحده و کردها

ایالات متحده، سابقه طولانی در همکاری‌های متناوب با گروه‌های کرد در سراسر غرب آسیا دارد؛ این رابطه با آمیزه‌ای از فرصت‌طلبی و عمل‌گرایی شکل گرفته است و ایالات متحده اغلب به دنبال حمایت کردها برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت است. در عراق، ایالات متحده در طول تهاجم سال ۲۰۰۳ و جنگ متعاقب آن علیه داعش به پیشمرگه‌های کرد تکیه کرد اما این اتحادها همیشه موقتی و مبتنی بر اهداف نظامی خاص بودند (Gunter, 2019: 80). در سوریه، ایالات متحده

در ابتدا در حمایت از نیروهای کرد تردید داشت زیرا می‌ترسید ترکیه، متحد اصلی ناتو را از خود دور کند. با این حال، ظهور سریع داعش در سال ۲۰۱۴ آمریکا را وادار کرد تا در مواضع خود تجدیدنظر کند و کردهای سوریه به‌ویژه یگان‌های مدافع خلق به‌عنوان بخشی از نیروی زمینی علیه داعش ظاهر شدند؛ این آغاز یک همسویی پویا بین ایالات متحده و کردهای سوریه بود (Phillips, 2015: 65). پس از شکست نسبی داعش در مناطق کردنشین با کمک متحدین خود یعنی نیروهای دموکراتیک سوریه، گروه‌ها عمدتاً مورد حمایت مقامات آمریکا و شرکای غربی آنها قرار گرفتند (Report, 2024:1).

روابط رسمی اولیه ایالات متحده و کردهای سوریه پس از شکست زمینی داعش، جای خود را به روابط سیال‌تر داد؛ ایالات متحده حمایت نظامی مستقیم خود را کاهش داد در حالی که تعامل محدود را از طریق ادامه حمایت هوایی و حمایت دیپلماتیک حفظ کرد. آمریکا همچنین به دنبال کاهش تنش با ترکیه با عقب نشینی نسبی از شمال سوریه، عملاً کردها را در برابر تهاجمات ترکیه آسیب‌پذیر کرد (Stein, 2020: 23). این تعدیل، نشان دهنده تغییر از اتحاد تاکتیکی به همسویی پویا است؛ جایی که هر دو طرف هنوز برخی از منافع مشترک دارند اما دیگر تحت یک چارچوب شراکت سفت و سخت عمل نمی‌کنند. برای کردها، همسویی پویا به معنای جستجوی شراکت‌های جایگزین، از جمله مذاکره با دولت سوریه و روسیه بود، زیرا آنها با واقعیت کاهش مشارکت ایالات متحده روبرو هستند. این نشان دهنده یک الگوی گسترده‌تر در روابط بین‌الملل است، جایی که بازیگران غیردولتی اغلب در صف‌بندی‌های انعطاف‌پذیر با قدرت‌های خارجی متعدد برای به حداکثر رساندن اهداف امنیتی و سیاسی خود شرکت می‌کنند (Byman, 2011: 138).

از این‌رو، راهبرد آمریکا در همسویی پویا با کردهای سوریه یک سیاست در حال تحول در واکنش به تحولات منطقه‌ای و محاسبات ژئوپلیتیک جهانی بوده است. با این حال، تعامل آمریکا با جناح‌های کرد، به‌ویژه در سوریه، با ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ تشدید شد. کردهای سوریه، که عمدتاً زیر نظر یگان‌های حفاظت خلق سازمان‌دهی شدند به یک شریک کلیدی تحت رهبری ایالات متحده تبدیل شدند. مبارزه علیه داعش به‌ویژه از طریق نیروهای دموکراتیک سوریه، ائتلافی از شبه‌نظامیان کرد و عرب منجر به ارتباط میان کردهای سوریه و آمریکا شد و این مشارکت ریشه در همگرایی عملگرایانه منافع داشت. ایالات متحده به دنبال نیروهای زمینی محلی برای مبارزه با داعش بود و اگرچه ائتلاف ضد داعش با محوریت آمریکا شکل گرفت اما تعلق آمریکا در مقابله

با هجوم داعش به مناطق کردی در عراق، در عزم و نیت واقعی آمریکا برای مبارزه با داعش تردید ایجاد کرده است در حالی که کردها به دنبال تحکیم کنترل ارضی و محافظت از جوامع خود در برابر داعش و دولت سوریه بودند (Phillips, 2015: 97).

اثر بخشی یگان‌های مدافع خلق در میدان نبرد، همراه با ایدئولوژی سیاسی سکولار و دموکراتیک آن‌ها، آنان را به متحدی جذاب برای ایالات متحده در مقایسه با سایر نیروهای منطقه‌ای تبدیل کرد. ایالات متحده پشتیبانی هوایی، تسلیحات و کمک‌های راهکنشی به کردها ارائه و به نیروهای دموکراتیک سوریه کمک کرد تا مناطق قابل توجهی را از داعش پس بگیرند برای مثال می‌توان به شهر حساس رقه در سال ۲۰۱۷ اشاره نمود (Stein, 2018: 23). با این حال، به‌رغم موفقیت نظامی این مشارکت هرگز به‌عنوان یک اتحاد راهبردی بلندمدت در نظر گرفته نشد زیرا با روابط ایالات متحده با سایر قدرت‌های منطقه به‌ویژه ترکیه در تضاد بود.

۴- کردها در بحران سوریه و غرب آسیای در حال تغییر

غرب آسیا، منطقه‌ای مملو از پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی و تنوع قومیتی در چند دهه اخیر شاهد تحولات مهمی بوده است. کردها، گروه قومی در عراق، سوریه، ترکیه و ایران، مدت‌هاست که بازیگر اصلی در ژئوپلیتیک غرب آسیا بوده‌اند. از جمله محوری‌ترین تغییرات، نقش در حال تحول جمعیت کرد به‌ویژه کردهای سوریه بوده است. وضعیت نامناسب، آرزوها و تأثیری که در تغییر شکل منطقه اعمال می‌کنند، آن‌ها را در کانون توجه قرار داده است. کردهای سوریه، عمدتاً در بخش شمال شرقی سوریه متمرکز شده‌اند به بازیگران کلیدی در مناظر پر درگیری غرب آسیا تبدیل شده‌اند. کردهای سوریه که حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند، مدت‌هاست برای به رسمیت شناختن و خودمختاری مبارزه کرده‌اند. برای چندین دهه، دولت اسد آن‌ها را به حاشیه رانده و ده‌ها هزار نفر را از شهروندی محروم کرد و حقوق فرهنگی و سیاسی آن‌ها را محدود کرد (Gunter, 2019: 45). این وضعیت برای بیشتر قرن بیستم ادامه داشت، زیرا دولت سوریه، مانند بسیاری از دولت‌ها در منطقه به دنبال حفظ هویت همگن عربی بود.

در خصوص تعامل کردها در سوریه با حاکمیت اسد، بایستی قدری به‌زمانمداری دوران حافظ اسد نیز رجوع نمود و می‌توان چنین استنباط نمود که از آن دوران تاکنون، تعامل مفید و سازنده‌ای

میان اکراد و دولت سوریه برقرار نبوده است؛ تاجایی که هنگامی که در سال‌های بین ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۸ حزب بعث در سوریه قدرت را به دست گرفت، پافشاری این حزب بر ناسیونالیسم عربی، تنش و نزاع زیادی را میان کردها و اعراب به وجود آورد. به علاوه اینکه، زبان کردی اجازه رسمیت نیافت، حق شهروندی آن‌ها مورد توجه قرار نگرفت و حتی امروزه نیز بعضی از اکراد شهروندان سوریه محسوب نمی‌شوند. رابطه کردهای سوریه با اسد از پس آغاز درگیری‌ها در سال ۲۰۱۱ وارد مرحله جدیدی شده است؛ با آغاز بحران داخلی سوریه بخشی از کردها که خوش بینی نسبت به سیاست‌های دولت اسد نداشتند در جایگاه مخالف دولت حاضر شدند و تاجایی که برضد دولت در تظاهرات شرکت کردند. در این میان گروهی دیگر از کردها نیز تحت متأثر از مواضع حزب اتحاد دموکراتیک راه همراهی با دولت اسد را در پیش گرفتند و این فرصتی بود برای احزابی که سال‌ها به خاطر ماهیت کرد بودنشان در انزوا قرار داشتند تا وارد عرصه شوند و اهداف خود را دنبال کنند (باقری دولت آبادی و ماهیدشتی، ۱۳۹۶: ۲۶).

با این حال، شروع جنگ سوریه در سال ۲۰۱۱ چشم انداز سیاسی را به شدت تغییر داد؛ تضعیف کنترل دمشق بر بخش‌های وسیعی از کشور به جناح‌های مختلف از جمله کردهای سوریه اجازه داد تا خودمختاری بیشتری داشته باشند. در سال ۲۰۱۲، حزب اتحاد دموکراتیک^۱ کرد به همراه شاخه نظامی خود، یگان‌های حفاظت از خلق، کنترل عملی بر شمال شرق سوریه را که آن را روزاوا نامیدند، برقرار کردند این حرکت نه تنها برای کردها بلکه برای منطقه به طور کلی قابل توجه بود زیرا نشان دهنده ظهور یک منطقه نیمه خودمختار کرد در داخل سوریه بود (Knapp, 2016: 71).

جنگ سوریه یک خلاء قدرت ایجاد کرد که کردهای سوریه از آن برای تضمین کنترل ارضی استفاده کردند. هدف اولیه آن‌ها نه تنها دفاع از مناطق کردنشین، بلکه تلاش برای خودمختاری گسترده تر در سوریه فدرال آینده بود. تشکیل نیروهای دموکراتیک سوریه^۲، ائتلافی از شبه نظامیان کرد، عرب و آشوری، نفوذ کردها را در منطقه بیشتر تقویت کرد. این تحول، یک چالش مستقیم هم برای دولت سوریه و هم برای قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه ایجاد کرد، زیرا بیم آن داشتند که حضور قوی کردها در سوریه بتواند جمعیت کرد خود را برای دستیابی به خودمختاری ترغیب کند (Tejel, 2020: 110).

مشارکت کردها در جنگ سوریه، آنها را در تقابل مستقیم با داعش قرار داد؛ با پیشروی داعش در سوریه و عراق، کردهای سوریه به یکی از موثرترین نیروهای جنگی علیه این گروه تروریستی تبدیل شدند. دفاع موفقیت‌آمیز آنها از شهر کوبانی در سال ۲۰۱۴ نقطه عطفی بود که آنها را به رسمیت شناخت و حمایت بین‌المللی را به‌ویژه از سوی ایالات متحده که شروع به تأمین تسلیحات و پشتیبانی کردها نمود به‌همراه داشت. نقش کردهای سوریه در مبارزه با داعش، آنها را به‌عنوان متحد کلیدی غرب قرار داد، حتی با وجود این که آرزوهای بلندمدت آنها برای خودمختاری در تضاد با منافع قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه بود (Phillips, 2017: 133).

۵- کردهای سوریه و اتحادهای منطقه‌ای و بین‌المللی

نفوذ فزاینده کردهای سوریه در منطقه به‌دلیل توانایی آنها در ایجاد اتحادهای راهبردی و راهکنشی، هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح بین‌المللی شکل گرفته است؛ یکی از مهم‌ترین اتحادها با ایالات متحده بوده است. آمریکا، کردها را به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد و توانا در کارزار خود علیه داعش، ارائه پشتیبانی هوایی، آموزش و کمک‌های نظامی می‌دانست. با این حال، این اتحاد مملو از تنش بوده است، زیرا آمریکا مجبور شده است تا حمایت خود از کردها را با روابط گسترده‌تر خود با ترکیه، متحد ناتو که حزب کردی اتحاد دموکراتیک سوریه^۱ و یگان‌های مدافع خلق^۲ را گسترش دهنده حزب کارگران کردستان می‌داند، متعادل کند (van Wilgenburg, 2019: 89).

نگرانی‌های ترکیه باعث شده است تا عملیات نظامی متعددی را در شمال سوریه با هدف جلوگیری از ایجاد یک منطقه تحت کنترل کردها در امتداد مرز جنوبی این کشور آغاز کند. عملیات سپر فرات^۳ در سال ۲۰۱۶ و عملیات شاخه زیتون^۴ در سال ۲۰۱۸ تلاش‌های مستقیم ترکیه برای عقب‌انداختن دستاوردهای ارضی کردها بود، تهاجمات ترکیه وضعیت را در شمال سوریه پیچیده‌تر نموده زیرا کردها مجبور شده‌اند همزمان هم از حملات داعش و هم نیروهای شورشی تحت حمایت ترکیه جلوگیری کنند (Stein, 2019: 56).

1 PYD

2 YPG

3 Operation Euphrates Shield

4 Operation Olive Branch

در پاسخ به تجاوزات ترکیه و تغییر سیاست‌های ایالات متحده، کردهای سوریه نیز به دنبال ایجاد روابط با دیگر بازیگران در منطقه از جمله دولت سوریه و روسیه بوده‌اند. در اواخر سال ۲۰۱۹، پس از اعلام خروج نسبی ایالات متحده از شمال سوریه، کردها با میانجیگری توافقی با دمشق امضا کردند که به نیروهای دولتی سوریه اجازه داد تا برای دفاع در برابر پیشروی‌های ترکیه وارد مناطق تحت کنترل کردها شوند. این رویکرد عمل‌گرایانه منعکس‌کننده شناخت کردها از نیاز به ایجاد توازن در ائتلاف‌های خود در یک زمینه منطقه‌ای بی‌ثبات و همیشه در حال تغییر است (De Jong, 2020: 123).

۶- راهبرد کردهای سوریه در غرب آسیای در حال تغییر

غرب آسیا دستخوش تغییرات عمیق با اتحادها و رقابت‌های جدیدی است که نظم سیاسی منطقه را تغییر می‌دهد. در این زمینه، تلاش کردهای سوریه برای خودمختاری نمایانگر دنیای کوچکی از پویایی‌های منطقه‌ای گسترده‌تر است. در حالی که فروپاشی اقتدار دولتی در بخش‌هایی از سوریه به کردها این امکان را داده که خود را نشان دهند، آینده بلندمدت آن‌ها نامشخص است. دیگر قدرت‌های منطقه از جمله ترکیه، ایران و کشورهای عربی، همچنان با ایده یک دولت کردی مستقل یا کاملاً خودمختار مخالف هستند، زیرا این کشورها از بازتاب این مساله بر مناطق کردنشین خود نگران هستند (Ahmed, 2018: 147).

کردها در تعقیب اهداف خود انعطاف و سازگاری قابل توجهی از خود نشان داده‌اند؛ اما آینده آن‌ها به عوامل متعددی بستگی دارد. اول، پیامدهای جنگ سوریه نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین این که آیا کردها می‌توانند خودمختاری خود را که به سختی به دست آمده حفظ کنند، ایفا کرد. دوم، روابط کردها با قدرت‌های منطقه‌ای و بازیگران خارجی مانند آمریکا و روسیه و کشورهای اروپایی در شکل‌دهی آینده سیاسی آن‌ها حیاتی خواهد بود. در نهایت، خود کردها باید اختلافات داخلی و چالش‌های حاکمیتی در روزاوا را که در آن تنش‌های قومی و سیاسی می‌تواند تلاش‌های آن‌ها برای دولت‌سازی را تضعیف کند، حل کنند.

از سویی دیگر بایستی تأکید نمود که بی‌شک کاهش نیروهای آمریکایی در سوریه، تقویت جاه‌طلبی‌های افراطی و علاقمندی ترکیه جهت حضور و نفوذ در شمال سوریه، آرمان کردها- تقسیم قدرت محلی- را در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد داد. در این خصوص به نظر نمی‌رسد که حکومت

مرکزی سوریه بتواند فضای تنش‌زای شکل گرفته را به‌نحو مناسبی مدیریت و کنترل کند. به‌علاوه اینکه در این میان نیز بازیگری همچون ترکیه - از جهت احیای امپراتوری عثمانی همچنین ملاحظات ژئواکونومیک - به‌حضور خود در شمال سوریه ماهیت ناسیونالیستی می‌دهد و ترجیح خواهد داد با تضعیف وحدت بین گروه‌های مختلف کرد با ابزارهای غیرنظامی از جمله ارائه اطلاعات نادرست تا اجبار اقتصادی، نظم مورد نظر خود را در محدوده مناطق کردنشین نهادینه کند. از این‌رو، در سال‌های پیش‌رو، ترکیه از جایگاه و نقش قابل توجهی به‌عنوان یک تأمین‌کننده امنیت در مناطق کردنشین شمال سوریه برخوردار خواهد شد (وریچ کاظمی، ۱۴۰۱/۰۷/۱۷).

هرچند که برخی بازیگران در غرب آسیا به‌واسطه بهره‌گیری از ابزارها و تاکتیک‌های همواره تلاش می‌کنند تا فشار مضاعفی را بر کردها وارد کنند؛ اما واقعیت امر آن است که تداوم چنین محدودیت‌هایی تنها به تقویت تنش و ناامنی کمک می‌نماید تا جایی که رقابت‌های راهبردی پیدا و پنهان بازیگران در مناطق کردنشین اصولاً کردها را در حالت تدافعی قرار می‌دهد و فضا را همچنان متشنج‌تر خواهد کرد. امروزه نیز راهبردهای بازیگران منطقه‌ای نقش اساسی را در امور مناطق کردنشین سوریه ایفا می‌کند؛ بنابراین، مناطق کردنشین سوریه در حال تجربه یک معضل امنیتی هستند که خطر تغییرات مرزی و بحران‌های قومی - مذهبی را در غرب آسیا تقویت می‌کند. از سویی دیگر هرچند با ظهور واقعیت‌های جدید ژئوپلیتیکی در منطقه دیگر نمی‌توان موضوع کردهای سوریه را به‌عنوان یک مسئله بحران‌زا در نظر گرفت اما همواره بهره‌گیری از کارت انسجام ملی - هویتی به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی در معاملات سیاسی بازیگران منطقه‌ای تهدیدی طولانی مدت برای صلح و ثبات در مناطق کردنشین در غرب آسیا به‌شمار می‌رود (وریچ کاظمی، ۱۴۰۱/۰۷/۱۷).

در مجموع، کردها همواره امیدوارند که به‌نحوی با دولت سوریه به توافق دست یابند و یا این‌که به‌مدد حضور قدرت‌های درگیر در سوریه و سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی در غرب آسیا به رسمیت شناخته شوند. در این راستا، سفر مقامات برخی از کشورهای منطقه و غرب به مناطق تحت اداره مدیریت خودگردان، و همچنین سفر مقامات کرد سوری به دیگر کشورها، نوعی به رسمیت شناخته شدن نانوشته است، اما نگرانی عمده کردها از ناحیه تهدیدات ترکیه است که در صورت خروج نیروهای آمریکا از مناطق شان به‌حال خود رها شوند. به‌علاوه این‌که، نگرانی دیگر کردها این است خلاء قدرت در نظم پسااسد و به تبع آن، خواسته‌هایشان از سوی معارضین مسلح در دمشق

نادیده انگاشته شود و این رویه در حقیقت به معنای بازگشت دولت به قبل از ۲۰۱۱ بوده و کردها این سیاست را نمی‌پذیرند (سانیار، ۱۴۰۲/۰۴/۲۱).

۷- محاسبات راهبردی و همکاری آمریکا با کردهای سوریه

«روابط کردها در سوریه و آمریکا نیز هم زمان با رخداد بحران در سوریه رو به فزونی نهاد؛ هرچند که در آغاز بحران، آمریکایی‌ها با حمایت از معارضان عرب، تا حدودی از جریان کردی فاصله گرفتند اما روند رو به ضعف نیروهای ضد اسد و قدرت‌گیری محور روسیه- ایران و دولت مرکزی در سوریه منجر به این شد که آمریکایی‌ها کردها را به عنوان یک نیروی قابل اتکا در راستای تغییر معادلات سیاسی سوریه مورد استفاده قرار دهند. از این رو، حمله داعش به شهر کوبانی اولین نقطه اتصال نیروهای کردی و آمریکایی بود؛ اما در بُعد ارتباطات آمریکا و کردهای سوریه، آنچه که بیشتر قابل توجه می‌باشد، حمایت نظامی و راهکنشی آمریکا از این نیروها است که در مسئله حملات ترکیه به مناطق کرد نشین و عدم حمایت سیاسی آمریکا از کردها، این امر نشان از درستی این ادعاها دارد. با این وجود همچنان روابط تاکتیکی و عقلانی آمریکا مبنای برخورد و ارتباط با کلیت کردی در غرب آسیا بوده است.» (پیرانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۲).

به علاوه این که، همسویی آمریکا و کردهای سوریه عمدتاً ناشی از نیاز به مبارزه با داعش و ایجاد ثبات در منطقه بود؛ کردها با دانش بومی و توان نظامی خود در عملیات زمینی برای شکست داعش بسیار مهم بودند. ایالات متحده به نیروهای کرد پشتیبانی هوایی، تسلیحات و آموزش ارائه کرد که نتیجه آن پیروزی‌های نظامی قابل توجهی از جمله بازپس‌گیری رقه، پایتخت خودخوانده داعش بود (Arango, 2017: 36). با این حال این همکاری همیشه از نظر دامنه و مدت محدود بود؛ ایالات متحده به صراحت اعلام کرد که حمایتش از کردهای سوریه مشروط به نقش آن‌ها در مبارزه با داعش است و تأییدی بر خودمختاری یا دولت کردها نیست. واشنگتن پیوسته تلاش کرده است که حمایت خود از کردها را با روابط خود با ترکیه متعادل کند، ترکیه که یگان‌های مدافع خلق را گسترش حزب کارگران کردستان، می‌داند (Stein, 2020: 45).

در مجموع، آمریکایی‌ها همواره به دنبال برقراری نوعی از موازنه راهبردی در منطقه غرب آسیا با حداقل حضور نظامی و سرمایه‌گذاری دفاعی هستند؛ این راهبرد تا حد زیادی در دوره اوباما و

ترامپ دنبال شد. برای مثال، در دوره بایدن حمایت از کردهای سوریه و تسلط بر گلوگاه‌های امنیتی مانند بوکمال و چاه‌های نفت سوریه با حداقل حضور مستقیم نظامی مهم‌ترین محورهای بازی راهبردی جو بایدن باقی ماند. همچنین، عدم حضور گسترده نظامی در سوریه و عدم تقویت گروه‌های گریز از مرکز در خوشه شامات به دلیل مسایل تروریستی و مهاجرت به اروپا و همچنین عدم تحریک امنیتی عراق و ترکیه در دستور کار امنیتی مقامات کاخ سفید در آینده میان مدت قرار دارد (عباسی خوشکار، ۱۴۰۰/۰۴/۰۸).

۸- پیامدهای منطقه‌ای: ایالات متحده، ترکیه و کردهای سوریه

۸-۱- نگرانی‌های ترکیه و معضل دیپلماتیک آمریکا

ترکیه، متحد ایالات متحده در ناتو به طور مداوم یگان‌های مدافع خلق را به عنوان امتداد حزب کارگران کردستان، یک گروه جدایی طلب کرد که از سوی آنکارا و واشنگتن به عنوان یک سازمان تروریستی تلقی می‌شود، می‌بیند (Gunter, 2019: 42). این تصور، روابط آمریکا با کردهای سوریه را پیچیده کرد؛ در حالی که ایالات متحده، یگان‌های مدافع خلق را به عنوان یک دارایی مهم در مبارزه با داعش می‌دانست، ترکیه توانمندسازی آن‌ها را تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی خود می‌دانست. از این رو، دولت ترکیه بارها نارضایتی خود را از ایالات متحده به دلیل ابعادی تسلیح و حمایت از یگان‌های مدافع خلق ابراز کرد، زیرا نگران پیامدهای کردهای سوریه تقویت شده بر جدایی طلبی کردها در داخل مرزهای ترکیه بود (Cagaptay, 2019: 56).

این تنش در سال ۲۰۱۹ زمانی به اوج رسید که دونالد ترامپ^۱، رئیس‌جمهور آمریکا خروج نیروهای آمریکایی از شمال سوریه را اعلام کرد و اساساً به حمله نظامی ترکیه علیه کردهای سوریه چراغ سبز نشان داد. این اقدام که از سوی کردها به عنوان خیانت تلقی شد به محکومیت گسترده قانونگذاران آمریکایی و ناظران بین‌المللی منجر شد. این بی‌ثباتی روابط ایالات متحده و کردها را برجسته می‌کند که همیشه به محاسبات راهبردی بزرگ‌تر بستگی دارد تا همسویی ایدئولوژیک یا حمایت بلندمدت از خودمختاری کردها (Friedman, 2019: 31). خروج ایالات متحده خلائی ایجاد کرد که هم ترکیه و هم دولت سوریه با حمایت روسیه به سرعت از آن استفاده کردند. برای

1 Donald Trump

کردهای سوریه این تغییر آن‌ها را مجبور به مذاکره با دولت اسد کرد، اقدامی که با توجه به کنار گذاشتن متحدان آمریکایی آن‌ها اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسید. بنابراین، در حالی که مشارکت ایالات متحده و کردها در شکست داعش موفق بود، نتوانست منافع بلندمدت کردها در سوریه را تضمین کند (Taspinar, 2020: 74).

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها برای همسویی کردهای آمریکا و سوریه، مخالفت شدید ترکیه بوده است. نگرانی ترکیه در مورد خودمختاری کردها در سوریه، روابط این کشور با ایالات متحده را تیره کرده است که منجر به بحران‌های دیپلماتیک و اصلاح راهبرد ایالات متحده در منطقه شده است. در حالی که ایالات متحده به کردهای سوریه به‌عنوان یک شریک راهکنشی در برابر داعش متکی است، همچنین با محدود کردن تعهد بلندمدت آمریکا به کردها به‌دنبال راضی کردن ترکیه بوده است (Lund, 2019: 23). این اقدام متعادل‌کننده یک عامل کلیدی برای درک این موضوع است که چرا روابط ایالات متحده و کردها به‌جای اتحاد راهبردی، نوعی همسویی پویا باقی می‌ماند. ایالات متحده تمایلی به خطر انداختن روابط خود با ترکیه به‌خاطر کردهای سوریه ندارد و این نشان می‌دهد که تعهد واشنگتن به کردها مشروط است و بر اساس محاسبات منطقه‌ای گسترده‌تر قابل تغییر است (Park, 2020: 18).

با این حال، با تشدید مخالفت ترکیه با نیروهای کرد و ایجاد اصطکاک در داخل ناتو، این اقدام متعادل به‌طور فزاینده‌ای دشوار شد. ایالات متحده مجبور شد در یک محیط راهبردی پیچیده حرکت کند که در آن متعادل کردن منافع متحدان کرد خود با منافع ترکیه و سایر بازیگران منطقه مانند روسیه به انعطاف بیشتری نیاز داشت. بنابراین، در حوزه امنیت ملی که در آن طرفین به‌طور متقابل می‌پذیرند که سهم قابل توجهی از منابع خود را برای یک مسئله‌ای که ممکن است در آینده مرتبط با آن‌ها به وقوع بپیوندد، اختصاص دهند (Bergsmann, 2001: 25-28).

۸-۲- محدودیت‌های اتحاد راهبردی: منافع متعارض

منافع آمریکا و کردهای سوریه کاملاً همسو نیستند در حالی که ایالات متحده آمریکا مشارکت خود با کردها را عمدتاً از طریق دریچه مبارزه با تروریسم و ثبات منطقه‌ای می‌بیند؛ کردهای سوریه آرزوهای سیاسی گسترده‌تری دارند از جمله خودمختاری بیشتر و به‌رسمیت شناختن حقوق آن‌ها در یک کشور

غیرمتمرکز سوریه و این آرزوها با اهداف ایالات متحده، که تمامیت ارضی سوریه و حفظ ثبات در منطقه را در اولویت خود قرار می‌دهد در تضاد است (Allsopp & Wilgenburg, 2019: 102). علاوه بر این، ایالات متحده تمایلی به ارائه تضمین‌های بلندمدت به کردهای سوریه و به‌ویژه در مواجهه با متحدان ترکیه نداشته است. خروج نیروهای آمریکایی از شمال سوریه در سال ۲۰۱۹، که از سوی کردها به‌عنوان خیانت تلقی شد، محدودیت‌های مشارکت آمریکا و کردها را برجسته کرد. این عقب‌نشینی به‌ترکیه اجازه داد تا یک حمله نظامی علیه یگان‌های مدافع خلق آغاز کند و چشم‌انداز اتحاد راهبردی بین ایالات متحده و کردها را بیشتر تضعیف کند (McKernan, 2019: 54).

۸-۳- آینده روابط آمریکا و کردهای سوریه: همسویی شکننده

همسویی با کردهای سوریه همیشه بخشی از استراتژی گسترده‌تر ایالات متحده در غرب آسیا بود که عمدتاً بر ضد تروریسم و محدود کردن نفوذ دشمنان منطقه‌ای مانند ایران و روسیه متمرکز بود. هدف از مشارکت آمریکا در سوریه، تغییر دولت یا حضور نظامی دائمی نبود؛ در عوض، ایالات متحده به دنبال مدیریت تأثیر درگیری سوریه بر ثبات گسترده‌تر منطقه‌ای به‌ویژه در عراق و کشورهای همسایه بود (Mandel, 2021: 105).

شراکت ایالات متحده با کردها نیز باید در چارچوب خستگی جنگی آمریکا و اولویت‌های در حال تغییر درک می‌شود. پس از نزدیک به دو دهه درگیری نظامی در غرب آسیا، سیاستگذاران آمریکایی به طور فزاینده‌ای تمایلی به انجام مداخلات نظامی طولانی‌مدت نداشتند؛ ظهور داعش مستلزم یک واکنش سریع و موثر بود که کردهای سوریه ارائه کردند. با این حال، هنگامی که خلافت سرزمینی داعش برچیده شد، دلیل ادامه حضور نظامی ایالات متحده آمریکا کمتر روشن شد به‌ویژه زمانی که توجه آمریکا به سمت رقابت قدرت‌های بزرگ با چین و روسیه معطوف شد (Pollack, 2021: 88).

با این حال، اتحادهایی که در چارچوب تهدیدهای فوری شکل گرفته، اغلب متزلزل هستند؛ هنگامی که تهدید اولیه کاهش یافت، همان‌طور که با شکست سرزمینی داعش مشاهده شد، ماهیت ائتلاف در معرض ارزیابی مجدد قرار می‌گیرد. این روند در روابط ایالات متحده و کردها مشهود است، جایی که تغییر اولویت‌های ایالات متحده در منطقه - به‌ویژه با تصمیمات خروج دولت ترامپ - منجر به ارزیابی مجدد تعهد به نیروهای کرد شد. بر اساس نظریه‌های ترک اتحاد، قدرت‌های قوی‌تر

اغلب زمانی که دیگر همان سطح سودمندی را در مشارکت درک نمی‌کنند، اتحادها را تغییر می‌دهند (Christensen & Snyder, 1990: 141) برای ایالات متحده، دیگر نگرانی‌های راهبردی، مانند روابط با ترکیه - متحد ناتو مخالف خودمختاری کردهای سوریه - اهمیت پیدا کرد. همچنین نظریه موازنه قدرت نشان می‌دهد که دولت‌ها و بازیگران غیردولتی بر اساس تهدیدات درک شده از سوی قدرت‌های منطقه‌ای قوی‌تر همسو می‌شوند (Waltz, 1979: 118) و در مورد کردهای سوریه، همسویی آن‌ها با ایالات متحده تا حدی پاسخی به فشارهای بازیگران منطقه‌ای مانند ترکیه، ایران و دولت سوریه بود. با توجه به روابط بین نیروهای دموکراتیک سوریه و حزب کارگران کردستان که آنکارا آن‌ها را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی می‌کند، به‌ویژه ترکیه، توانمندسازی نیروهای کرد سوریه را تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی خود می‌داند (Gunter, 2016: 87). از دیدگاه ایالات متحده، نیروهای کرد تعادلی را در برابر داعش و نفوذ فزاینده ایران در سوریه فراهم کردند؛ ایالات متحده با حمایت از نیروهای دموکراتیک سوریه توانست اهداف راهبردی ایران در منطقه به‌ویژه تلاش‌هایش برای ایجاد کریدور زمینی از طریق سوریه به لبنان را که می‌تواند توانایی‌های حزب‌الله را افزایش دهد، متعادل کند. به تعبیر مرشایمر این رویکرد با راهبردهای سنتی موازنه قدرت همسو می‌شود، جایی که بازیگران خارجی با نیروهای محلی برای مقابله با دشمنان منطقه‌ای همسو می‌شوند (Mearsheimer, 2001: 44).

۹- پیامدهای همسویی ایالات متحده و کردهای سوریه

پیامدهای همسویی آمریکا با کردهای سوریه، چند وجهی است؛ به عبارت بهتر کردها در اثنای بحران سوریه تلاش می‌کردند در نقش بازیگر سوم ایفای نقش کنند یعنی نه طرفدار نظام و نه طرفدار معارضین نظام. اما به‌عنوان واقعیتهای انکارناپذیر در کوتاه‌مدت این مشارکت در شکست داعش بسیار مؤثر بود. نیروهای دموکراتیک سوریه با حمایت ایالات متحده با موفقیت بخش‌های وسیعی از قلمرو را از دست نیروهای تکفیری آزاد کردند و توانایی داعش را برای عمل به‌عنوان یک نیروی نظامی متعارف فلج کردند با این حال، پیامدهای دراز مدت این همسویی مبهم‌تر است (Jones, 2019: 93). برای کردها، مشارکت ایالات متحده اهرم‌های نظامی و سیاسی را در طول یک دوره بحرانی درگیری سوریه به آن‌ها داد؛ با این حال، عدم تمایل ایالات متحده به ارائه تضمین‌های بلندمدت حمایت، کردها

را در برابر تجاوزات ترکیه آسیب‌پذیر کرد و آن‌ها را مجبور به اتحاد ناخوشایند با دولت اسد نموده است. به همین جهت، اهداف کردها برای خودمختاری در سوریه در حالی که به‌طور حداقلی توسط مشارکت ایالات متحده تقویت شده، نامشخص باقی مانده و به‌شدت به پویایی‌های منطقه‌ای وابسته است (Romano, 2021: 62).

برای ایالات متحده، همسویی با کردها روابط با ترکیه را پیچیده کرده، انسجام ناتو را تیره و به بی‌ثباتی مداوم در شمال سوریه کمک کرده است. در حالی که شکست داعش یک پیروزی قابل توجه بود، راهبرد گسترده‌تر ایالات متحده در سوریه همچنان در نوسان است به‌ویژه در شرایطی که قدرت‌های منطقه‌ای مانند روسیه و ایران همچنان به‌اعمال نفوذ در این کشور ادامه می‌دهند. بی‌میلی ایالات متحده به تعهد کامل به تلاش‌های تثبیت پس از داعش به‌ویژه در مناطق تحت کنترل کردها، همچنین به بی‌ثباتی مداوم کمک نموده زیرا بقایای داعش هنوز در برخی مناطق فعال هستند (Lund, 2021: 49).

بنابراین، راهبرد آمریکا در همسویی پویا با کردهای سوریه، پاسخی عمل‌گرایانه به تهدید فوری ناشی از داعش بود اما همیشه با ملاحظات ژئوپلیتیک گسترده‌تر به‌ویژه روابط ایالات متحده و ترکیه و تغییر اولویت‌های آمریکا در غرب آسیا، محدود بود. در حالی که مشارکت ایالات متحده و کردها به موفقیت‌های نظامی قابل توجهی دست یافت، نتوانست دستاوردهای سیاسی یا سرزمینی پایداری را برای کردها تضمین کند و محدودیت‌های چنین اتحاد‌های راهکنشی را برجسته می‌کند؛ آینده سیاست ایالات متحده در سوریه و رابطه آن با کردها تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای و تغییر قدرت جهانی نامشخص است.

با پایان یافتن نبرد با داعش و معطوف شدن تمرکز ایالات متحده به سایر چالش‌های جهانی، آینده روابط کردهای سوریه و آمریکا مبهم باقی مانده است. در حالی که کردها به کنترل قلمروهای قابل توجهی در شمال شرقی سوریه ادامه می‌دهند، ارزش راهبردی آن‌ها برای ایالات متحده با کاهش تهدید داعش کاهش یافته است؛ در غیاب دشمن مشترک، ایالات متحده ممکن است از کردها فاصله بگیرد به‌ویژه اگر به‌دنبال ترمیم روابط خود با ترکیه باشد (Pierini, 2020: 87). بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که روابط اکراد با ایالات متحده آمریکا متاثر از عوامل گوناگونی می‌باشد؛ برای مثال این عوامل عبارت‌اند از: اول، حضور بازیگران ذی‌نفع در بحران سوریه نظیر ترکیه و روسیه و ایران و تعارض منافع آنان که می‌تواند روابط دیپلماتیک این کشورها را تحت

فشار قرار دهد و دیپلماسی منطقه‌ای را پیچیده کند، دوم، رویکرد دولت جدید در آمریکا نسبت به مسائل غرب آسیا که در حقیقت سیاست خارجی آمریکایی ترامپ با موقعیت ویژه‌ای مواجه است که باید همزمان تعهد خود به نیروهای دموکراتیک سوریه را با ضرورت حفظ روابط استراتژیک با ترکیه، یک متحد ناتو، متعادل کند، سوم، دستورکارهای امنیتی و تداوم فعالیت گروه‌های تروریستی در سوریه که در این زمینه می‌توان چنین اذعان نمود که نیروهای دموکراتیک سوریه که تحت رهبری کردها قرار دارند و هم‌پیمان کلیدی در مبارزه با داعش هستند، اکنون با چشم‌انداز پیچیده‌ای مواجه‌اند زیرا نقش خود را در سوریه پس از اسد هدایت می‌کنند و چهارم، مواضع کردها در قبال دولت مرکزی سوریه به‌ویژه در اطمینان از اینکه آیا منافع کردها در چارچوب سیاسی وسیع‌تر سوریه نمایندگی می‌شود یا نه.

از این منظر، بدیهی است استفاده آمریکا از کردهای سوریه فقط جهت مبارزه با داعش نبوده است بلکه در راستای عوامل دیگری نیز از جمله استفاده ابزاری از کردهای سوریه به‌عنوان یک کارت بازی در مقابل ترکیه، استفاده از کردها جهت موازنه‌سازی بیشتر با روسیه و ایران در سوریه، استفاده از اکراد برای تأمین امنیت چاه‌های نفت سوریه و ترانزیت نفتی که تحت سیطره آمریکایی‌هاست، پیگیری نسبی طرح خاورمیانه جدید و ایجاد زمینه‌های اولیه تجزیه سوریه نیز می‌باشد. در خصوص چشم‌انداز سیاسی پس از بشار اسد و نیز روابط آمریکا و کردهای سوریه نیز می‌توان چنین اذعان سقوط رئیس‌جمهور سوریه در دسامبر ۲۰۲۴ دوره‌ای تحول‌آفرین برای سوریه به ارمغان آورده است که به‌طور قابل توجهی بر دینامیک‌های بین ایالات متحده و کردهای سوری تأثیر گذاشته است. این تحولات که به صورت غیرمنتظره اتفاق افتاده است می‌تواند پیامدهای سیاسی، نظامی و حتی منطقه‌ای نیز ایجاد کند.

از این منظر، با سقوط بشار اسد، آینده سیاسی سوریه در حال تغییر است؛ نیروهای دموکراتیک سوریه نیت خود را برای ادغام در ارتش ملی تحت دولت موقت جدید اعلام کرده و هدف آن‌ها ایجاد یک سیستم سیاسی چندحزبی و فراگیر است (AP News, 2025). با این حال، این انتقال با چالش‌هایی همراه است از جمله تقسیمات داخلی در میان جناح‌های کرد و از سوی دیگر تردید جوامع سوری نسبت به آرزوهای خودمختاری کردها. ایالات متحده در حالی که از مشارکت‌های کردها در امنیت منطقه حمایت می‌کند. به‌طور تاریخی از تأیید خودمختاری کامل کردها خودداری

کرده و به حساسیت‌های ژئوپولیتیکی مربوط به متحد ناتویی خود ترکیه در همسایگی سوریه توجه دارد (Emirates Policy Center, 2025).

حتی در رابطه با پیامدهای نظامی و نگرانی‌های امنیتی حوادث یاد شده نیز این گونه می‌توان ادعا نمود که دینامیک‌های امنیتی در شمال سوریه همچنان ناپایدار باقی مانده است، به‌ویژه در مورد تنش‌های ترکی- کردی. ترکیه، کردهای سوریه را به‌عنوان یک شاخه از حزب کارگران کردستان (که یک سازمان تروریستی شناخته شده است)، می‌بیند و حتی عملیات نظامی برای کاهش نفوذ کردها در نزدیکی مرز خود انجام داده است؛ همچنین استقرار نیروهای آمریکایی و فرانسوی برای ایجاد یک منطقه غیرنظامی مطرح شده است که هدف آن کاهش خصومت‌ها و حفاظت از مناطق کردنشین است (Reuters, 2025).

نتیجه‌گیری

در زمینه روابط ایالات متحده و کردهای سوریه، این پژوهش استدلال می‌کند که این مشارکت باید به‌عنوان یک همسویی پویا به‌جای یک اتحاد راهبردی در نظر گرفته شود. همکاری بین ایالات متحده و کردهای سوریه ناشی از شرایط خاص به‌ویژه ظهور داعش و مبارزه گسترده‌تر برای نفوذ در منطقه بوده است. هنگامی که این شرایط تغییر کند، همسویی ممکن است تضعیف یا حتی منحل شود زیرا منافع راهبردی اساسی ایالات متحده و کردهای سوریه لزوماً در دراز مدت همسو نیستند. اتحاد راهبردی معمولاً متضمن تعهد بلندمدت مبتنی بر اعتماد متقابل، اهداف مشترک و همکاری پایدار است. از سوی دیگر، همسویی پویا مشارکتی انعطاف‌پذیرتر و مشروط‌تر است که توسط ملاحظات فوری و اغلب عمل‌گرایانه هدایت می‌شود؛ در مورد ایالات متحده و کردهای سوریه، مشارکت عمدتاً با هدف مشترک مقابله با داعش شکل گرفته است اما مشخص نیست که آیا این رابطه فراتر از یک همگرایی موقت منافع است یا خیر.

به‌علاوه این‌که، روابط ایالات متحده و کردهای سوریه به‌عنوان یک همسویی پویا به‌جای یک اتحاد راهبردی بهتر درک می‌شود؛ چراکه کردهای سوریه به‌بازیگرانی مؤثر در چشم‌انداز به‌سرعت در حال تغییر غرب آسیا تبدیل شده‌اند. نقش آن‌ها در جنگ سوریه، اتحاد آن‌ها با بازیگران بین‌المللی و آرزوهای آن‌ها برای خودمختاری، پویایی منطقه را تغییر داده است. با این حال، آینده

آن‌ها همچنان مملو از چالش‌ها است؛ تغییرات گسترده ژئوپلیتیک در غرب آسیا، سقوط دولت بشار اسد در سوریه (۲۰۲۴) و مخالفت کشورهای همسایه با استقلال کردستان، همگی موانع مهمی را ایجاد می‌کنند. با این حال، انعطاف‌پذیری کردها و توانایی آن‌ها برای انطباق با شرایط در حال تغییر نشان می‌دهد که آن‌ها همچنان بازیگران کلیدی درام غرب آسیا خواهند بود.

آنچه که مهم به نظر می‌رسد آن است که ایالات متحده آمریکا به کردهای سوریه به‌عنوان یک پتانسیل دو سویه می‌نگرد؛ از یکسو همواره به دنبال آن است تا از اکراد در راستای تأمین منافع خود بهره‌گیرد و به‌نوعی آنان را پوشش منافع خود در غرب آسیا قرار دهد تا از این طریق بتواند منافع مادی و معنوی خود را در منطقه تأمین نموده و حضور و نفوذ درازمدت خود را حفظ نماید و از سویی دیگر نیز بایستی تأکید نمود که کردها در سوریه ظرفیت ایجاد تعارض و واگرایی با منافع آمریکا و شرکای غربی‌شان را دارند؛ چراکه با عطف به انگاره‌های یاد شده در یافته‌های تحقیق، اکراد در صورت قدرت‌یابی و تثبیت جایگاه می‌توانند برای حضور نیروهای آمریکا در منطقه چالش‌ساز باشند.

در مجموع می‌توان چنین ادعان نمود که در حالی که دو طرف یعنی آمریکا و اکراد در مبارزه با داعش همکاری نزدیکی داشته‌اند، مشارکت آن‌ها به‌جای منافع راهبردی بلندمدت بر اساس ملاحظات راهکنشی کوتاه‌مدت شکل گرفته است. با تغییر پویایی‌های منطقه و ارزیابی مجدد اولویت‌های خود در غرب آسیا، همسویی با کردهای سوریه ممکن است تضعیف یا حتی منحل شود. با توجه به این عوامل، بعید است که روابط آمریکا و کردها به یک اتحاد راهبردی تبدیل شود. در عوض این مشارکت یک همسویی پویا باقی خواهد ماند که مشروط به چشم‌انداز امنیتی در حال تحول در سوریه و غرب آسیا گسترده‌تر است.

قابل ذکر است با توجه به سقوط دولت بشار اسد و واکنش منفعلانه مجموعه حاکمیت این کشور به رخداد یادشده، می‌توان سناریوهای مختلفی را برای آینده این کشور متصور نمود که بی‌تردید در آینده روابط اکراد با دولت ایالات متحده آمریکا تاثیرگذار خواهد بود. سناریوی اول آن است که حضور بیگانگان از جمله رژیم صهیونیستی، آمریکا و ترکیه در خاک سوریه موجب شکل‌گیری دولتی وابسته و متزلزل شود که صرفاً منافع کشورهای غربی را تأمین کند. از سویی دیگر، سناریوی دوم آن است که حضور معارضان مسلح تحریر الشام، موجب ایجاد نوعی دولت ورشکسته همراه با

بنیادگرایی افراطی و منازعات قومی - هویتی طولانی مدت و و ایجاد حکام محلی شده که محصول اصلی آن نیز ایجاد ناامنی داخلی به واسطه تقسیم سوریه توسط معارضین، کردها و علویان و تسری آن به همسایگان و منطقه باشد. سناریوی آخر نیز، بیداری ملت سوریه و خیزش آن‌ها علیه افراط گرایی و شکل‌گیری نوعی از مبارزات مردمی جهت احقاق حقوق تضحیح شده خویش توسط قدرت‌های غربی و بیگانه و شبه نظامیان مسلح در بلندمدت و تشکیل یک دولت مردم پایه دارای مشروعیت و مقبولیت فراگیر با اتکاء به گفتگوهای سوری - سوری و الگوگیری از تفکر مقاومت که خود سوریه بخشی از آن است. نکته آخر آن که، حوادث سوریه برای کشوری همچون ایران می‌تواند همراه با بیم و امید دنبال شود؛ بیم از آن که در نظم پسا اسد، وجود بازیگران رقیب منطقه را با چالش‌های امنیتی مواجه نموده و موازنه قدرت را به نفع محور ترکی، عبری - غربی سوق دهند؛ و امید به آن که هرچند تحولات سوریه معادلات منطقه‌ای را دستخوش تغییرات اساسی کرده و چشم‌انداز آینده این کشور را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است اما عزم راسخ ملت‌های مسلمان و تاسی از تفکرات رهبران جبهه مقاومت، همواره بیانگر پیروزی در مقابل جبهه خصم می‌باشد.

دوره پس از اسد هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی برای روابط ایالات متحده و کردهای سوریه به همراه دارد. در حالی که همسویی پویا علیه داعش اعتماد متقابل را تقویت کرده است، چشم‌انداز سیاسی و امنیتی در حال تحول سوریه نیازمند بازنگری در این رابطه است. سقوط غیرمنتظره رئیس‌جمهور بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴ به‌طور قابل توجهی چشم‌انداز ژئوپولیتیکی غرب آسیا را تغییر داده و به‌ویژه بر دینامیک‌های میان ایران، کردهای سوری و ترکیه تأثیر گذاشته است. این توسعه فرصت‌های جدیدی برای ایجاد اتحادها و درگیری‌های بالقوه به‌ویژه با توجه به تنش‌های تاریخی و منافع استراتژیک این بازیگران فراهم کرده است.

در حقیقت، دوره پسا اسد یک ماتریس پیچیده از فرصت‌ها و چالش‌ها برای روابط ایران با کردهای سوری را ارائه می‌دهد. در حالی که یک اتحاد تاکتیکی می‌تواند به عنوان یک وزنه در برابر نفوذ ترکیه عمل کند، تفاوت‌های عمیق ایدئولوژیک و ملاحظات ژئوپولیتیکی ممکن است عمق چنین شراکتی را محدود کند. رویکرد ایران احتمالاً شامل تعادل دقیق بین حمایت از گروه‌های کرد برای پیشبرد منافع منطقه‌ای خود و کاهش خطرات ناشی از تقویت حرکتی است که می‌تواند احساسات جدایی‌طلبانه را در درون مرزهای خود تحریک کند.

در مجموع، پتانسیل همکاری ایران با گروه‌های کرد سوری علیه گروه تحریرالاشام می‌تواند اهداف متعددی را دنبال کند: الف) مقابله با نفوذ ترکیه؛ با هم‌راستا شدن با کردها، ایران می‌تواند تلاش‌های ترکیه برای گسترش نفوذ خود در سوریه پس از اسد را تضعیف کند و در نتیجه منافع استراتژیک خود را در منطقه حفظ نماید. ب) حفظ ثبات منطقه‌ای: حمایت از گروه‌های کرد ممکن است به ایران این امکان را دهد که نقشی در تثبیت شمال سوریه ایفا کند و از ظهور نهادهای خصمانه در نزدیکی مرزهای خود جلوگیری کند. ج) گسترش نفوذ ایدئولوژیک: تعامل با گروه‌های کرد با گرایش چپ می‌تواند به ایران این فرصت را بدهد که نفوذ ایدئولوژیک خود را با وجود تفاوت‌های مذهبی و سیاسی به نمایش بگذارد.



فهرست منابع

- باقری دولت‌آبادی، علی و ماهیدشتی، مهدی. (۱۳۹۶). آینده سیاسی کردستان سوریه: بیم‌ها و امیدها. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۶(۲۳)، ۲۵-۴۸.
- باقری دولت‌آبادی، علی و رحیمی دهگلان، سیروان. (۱۳۹۴). بحران سوریه: بررسی انگیزه‌ها، مواضع و آینده کردها. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹(۱)، ۱۲۳-۱۵۰.
- پیرانی، شهره و همکاران. (۱۳۹۸). تحلیل راهبرد آمریکا در قبال کردهای سوریه بر اساس نظریه انتخاب عقلانی. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۲(۴۳)، ۱۱۶-۱۳۷.
- سانیار، میکائیل. (۱۴۰۲). دورنمای کردها در سوریه پس از بازگشت دوباره سوریه به اتحادیه عرب؛ به رسمیت شناخته شدن یا تداوم جنگ فرسایشی و هویتی. سایت مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۴۰۲/۰۴/۲۱: <https://www.cmess.ir>
- عباسی خوشکار، امیر. (۱۴۰۰). آینده حضور بازیگران منطقه‌ای و فرماندهی‌های در سوریه. سایت پژوهشکده تحقیقات راهبردی، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۴۰۰/۰۴/۰۸: <https://csr.ir>
- وریج کاظمی، مریم. (۱۴۰۱). رویکرد ترکیه به کردهای سوریه و چشم‌انداز پیش‌رو. سایت مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۴۰۱/۰۷/۱۷: <http://peace-ipsc.org>
- گل عنبر، صابر. (۱۴۰۳). کردهای سوریه؛ ترامپ و اتحاد درونی! سایت عصرایران، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۴۰۳/۱۰/۰۵: <https://sarasari.khorasanonline.ir>
- پرتو، امین. (۱۴۰۳). خروج آمریکا از سوریه: علل و پیامدها، سایت پژوهشکده مطالعات راهبردی، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۴۰۳/۰۷/۲۰: <https://risstudies.org>
- Ahmed, M. (2018). *The Kurdish Question and the Changing Dynamics in the Middle East*. Oxford University Press.
- Allsopp, H., Wilgenburg, W. (2019). *The Kurds of Northern Syria: Governance, Diversity and Conflicts*. I.B. Tauris.
- Arango, T. (2017). In Raqqa, US-backed forces capture key parts of ISIS territory. *The New York Times*, October 17.
- Alim, E. (2024). The Kurdish Predicament in US-Turkiye Relations. *Global Politics and Strategy*, 4(66), 149-160.
- AP News. (2025). Conflict between Turkey and Kurdish groups rises around key dam in northern Syria. Retrieved from <https://apnews.com/article/71f958b405bed575dc20942b8393e89b>.
- Bergsmann, S. (2001). *The Concept of Military Alliance, in Small State and Alliance*, Heidelberg, pp. 25-37.
- Byman, D. (2011). "Friends Like These: Counterinsurgency and the War on Terrorism." *International Security*, 31(2), 79-115. DOI: 10.1162/isec.2007.31.2.79.
- Borshchevskaya, A. (2022). *Syrian Kurds as US Allies: Cooperation and Complexities*: Washington Institute.

- Cagaptay, S. (2019). *Erdogan's empire: Turkey and the politics of the Middle East*. I.B. Tauris.
- Christensen, T.J., Snyder, J. (1990). Chain Gangs and Passed Bucks: Predicting Alliance Patterns in Multipolarity. *International Organization*, 44(2), 137-168. DOI: 10.1017/S0020818300035301
- De Jong, W. (2020). Syrian Kurds and the Fragile Alliances in the War-Torn Middle East. *Journal of Middle Eastern Studies*, 46(1), 119-135.
- Dwivedi, S. (2012). Alliances in International Relations Theory. *International Journal of social science & Interdisciplinary research*, 1(1), 224-237.
- Emirates Policy Center. (2025). The US and the Kurds in the new Syria. Retrieved from <https://epc.ae/en/details/featured/the-us-and-the-kurds-in-the-new-syria>.
- Friedman, T. (2019). The end of the Middle East as we know it. *New York Times*.
- Gunter, M. (2019). *The Kurds in Turkey: A Political Dilemma*. Routledge.
- Gunter, M. (2019). *The Kurds: A Modern History*. Princeton University Press.
- Gunter, M.M. (2016). The Kurds in Syria: The Changing Balance of Power. *Middle East Policy*, 23(4), 84-93. DOI: 10.1111/mepo.12262
- Jones, S. (2019). After ISIS: The rise and fall of the caliphate. RAND Corporation.
- Knapp, M. (2016). Rojava: The Syrian Kurds' Experiment in Radical Democracy. *New Left Review*, 99(3), 69-83.
- Lund, A. (2019). The Syrian Kurds and their autonomy negotiations. *Middle East Brief*, 128, pp. 1-12.
- Lund, A. (2021). The Syrian conflict and international intervention. Middle East Policy Council.
- Mandel, N. (2021). U.S. military strategy in the Middle East. *Foreign Affairs*.
- McKernan, B. (2019). Syrian Kurds accuse US of betrayal over Turkey's attacks. *The Guardian*, October 7.
- Mearsheimer, J.J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. W.W. Norton & Company.
- Morrow, J.D. (1991). Alliances and Asymmetry an Alternative to the Capability Aggregation Model of Alliances, *American Journal of Political Science*, Vol.35, No.4, November, pp. 904-933.
- McCool, D. (2021). The Role of the Kurds in U.S. Foreign Policy. University of Mississippi.
- Park, B. (2020). Turkey's response to Kurdish autonomy in Syria. *Journal of Global Security Studies*, 5(1), 15-30.
- Petersen, K. (2011). The limits of alliance: Temporary cooperation and its strategic implications. *International Security*, 25(4), 101-125.
- Phillips, C. (2015). *The Battle for Syria: International Rivalry in the New Middle East*. Yale University Press.
- Phillips, D. (2015). *The Kurdish Spring: A new map of the Middle East*. Transaction Publishers.
- Phillips, D. (2017). *The Battle for Kobani: How the Kurds Defeated ISIS*. Yale University Press.
- Pierini, M. (2020). US policy and the future of Syrian Kurdistan. *Carnegie Middle East Center*, October 1.
- Pollack, K. (2021). *U.S. strategic interests in the Middle East*. Brookings Institution Press.
- Romano, D. (2021). Kurdish autonomy in Syria: Prospects and challenges. *Kurdish Studies Journal*.
- Report CRS. (2024). Syria and U.S. Policy. Congressional Research Service. <https://crsreports.congress.gov>.

- Reuters. (2025). US, French troops could secure Syria's northern border, Syrian Kurdish official says. Retrieved from <https://www.reuters.com/world/us-french-troops-could-secure-syrias-northern-border-syrian-kurdish-official-2025-01-08>.
- Snyder, G.H. (1997). Alliance Politics. Cornell University Press.
- Stein, A. (2018). The future of the U.S.-Kurdish relationship in Syria. Atlantic Council.
- Stein, A. (2019). Turkey's War on the Kurds in Syria. Foreign Affairs, 98(4), pp. 54-62.
- Stein, A. (2020). "Turkey's Military Operations in Syria and Iraq." Foreign Policy Research Institute. DOI: 10.1016/j.micpro.2011.11.008
- Stein, A. (2020). Turkey's Foreign Policy in the Middle East: The Role of the Kurds. Oxford University Press.
- Taspinar, O. (2020). The U.S. and the Kurds: A complicated alliance. The National Interest.
- Tazmini, G. (2020). Russia and Iran: Strategic Partners or Conditional Allies? London School of Economics and Political Science (LSE). Retrieved from <https://www.lse.ac.uk/research-assets/article-PDFs/Russia-and-Iran.pdf>
- Tazmini, G. (2022). Dynamic Alignment in the Middle East: Strategic Considerations and Shifting Alliances. Cambridge University Press.
- Tejel, J. (2020). Kurdish Nationalism and Syrian Politics: Conflict and Compromise. I.B. Tauris.
- van Wilgenburg, W. (2019). The Kurds in the Syrian Civil War: Allies or Enemies of the West? Routledge.
- Walt, S. (1987). The Origins of Alliances. Cornell University Press.
- Walt, S.M. (1987). The Origins of Alliances. Cornell University Press.
- Waltz, K.N. (1979). Theory of International Politics. McGraw-Hill.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی